

چند نکته کوچک در باره چند مسئله مهم

بر خوردی به ادعاهای حکام جدید

آن یکی در وقت استنجا بگفت
که مرا بابوی جنت دار جفت
گفت جانا! خوب ورد آورده ای
لیک سوراخ دعا گم کرده ای
مولوی "مثنوی"

شاید شما باور نکنید اما در این دنیا ای که کلمات و مفاهیم، بوسیله قدرت مندان گوناگون به دستمایه توجیه و پوشاندن واقعیت ها تبدیل شده اند، همه چیز ممکن است، حتی معجزه هائی نازل شده از ملکوت آسمانی. و اگر بسیار دیر باورید دست کم باور کنید که برخی از ابناء رشید وطن معجزاتی این چنین را چشم دارند. البته اگر نه از آسمان، بلکه و ضرورتاً از نظام جهانی سرمایه داری که دیر باز گفته اند: "دست چپو نمی رسد به خاتون، در باب کنیز مطبخ را" ورنه، اگر چنین نبود آقای بنی صدر و شرکاء گمان نمی کردند که می توان سرما به داری گندیده و پلاستیده را با دست یاری مفهوم بافی های پندار گرایانه از احتضار مرگ، زنده و شاداب به جهان زاینده گی و زندگی باز آورد و بالاتر از این آن را باز ساخت. البته بابزک و آرایش اسلامی!! چه باور کنید و چه نکنید، ما به شما، با کمال ایمان و اعتقاد و اندکی مدهائنه، اطمینان میدهم که نه تنها میتوان مسیح را زنده و ماه رابه دونیمه تقسیم کرد، بلکه با اندکی آسان گیری و کمی دستکاری در کتاب لغت و البته مقداری سعه صدر و بلند نظری و با اندک دستکاری نه چندان پالوده و ظریف در اصطلاحات و مفاهیم رایج از قبیل سوده کارمزد، بهره و... میتوان جهانی از عدل و دنیائی از رهائی و آزادی و فارغ از استثمار بنا کرد. البته در چهار چوب سرمایه داری و فرزندان برومند امت اسلامی که نه شرقی اند و نه غربی... دل آسوده دارند که دیگر و در پرتو این معجون درخشان حماقت و وقاحت نه مشکلی به جای خواهد ماند و نه دردی بی درمان و چشم شیطان کور

وزیر دارائی ما مرد ابداع است و ابتکار... و در این جهان که مدار آن بر تغییر است حتی زمین نیز ثابت نیست. باور نمی کنید نگاهی به خورشید بیاندازید. چشمتان کور میشود. و آنکه گفته بود استعمار ناشی از مالکیت خصوصی و سایل تولید است وستم طبقاتی جز با براندازی طبقات پایا ن نمی گیرد لابد ربکی در کفش داشت و یا اقتصاد توحیدی را نخوانده بود و از اقدامات یکساله دولت انقلابی ما خبر نداشت.

با اقدامات درخشان هیات حاکمه و بویژه با قوانین ابداعی و زیر داری و نامزد ریاست جمهوری، از این پس نرخ فزاینده تورم ۴۰ درصدی، رکود فراگیر و توقف تقریباً کامل تولید و باز تولید، بیکاری و... بحران ساختنی نابود و فقر و استثمار از بین خواهد رفت و هیچکس شمره کار دیگری نخواهد برد و البته بدون دگرگونی بنیادی مناسبات تولیدی و در حد شرعی! گفته شده بود که وابستگی، در عصر ادغام سرمایه های جهانی و در کشورهای واپس مانده که همچون مدار دایره گسترده نظام جهانی سرمایه ها، برای تداوم زیست و نه فقط رشد سرمایه دارانه نیازمند جذب سرمایه های مازاد کشورهای مرکز مدار یعنی کشورهای پیشرفته سرمایه داری هستند - توانان جدائی ناپذیر واپس ماندگی، زمینه و علت آنست و جز با از بین بردن واپس ماندگی راهی برای نجات از وابستگی نیست، گفته شده بود واپس ماندگی و علت وابستگی است و جز با ریشه کن کردن همزمان این جفت توانان راهی برای رهائی نیست، گفته شده بود که واپس ماندگی و وابستگی خصوصیت های ماهوی نظام سرمایه داری وابسته اند و دوام و رشد سرمایه داری وابسته جز در چهار چوب نظام سرمایه داری جهانی و ادغام سرمایه های بومی در هرم درهم بافته سرمایه ممکن نیست و این از

سویی رهائی از واپس ماندگی را ناممکن و از سوی دیگر بروابستگی می افزاید، گفته شده بود انتقال ارزشها از مدار به مرکز و انتقال سرمایه ها از مرکز به مدار بر کمبود فزاینده سرمایه، وابستگی و واپس ماندگی می افزاید و رهائی از این دور فاسد، جز با دگرگونی بنیادی نظام تولیدی ممکن نیست، گفته شده بود بحران در جوامع وابسته به بحرانی تناوبی و کلاسیک، که بحرانی ساختی و تداومی بوده و رکود ناشی از تضادهای ساختاری سرمایه داری از سویی و هتجه کمبود فزاینده سرمایه از سوی دیگر همراه با تورم ناشی از اقتصاد مبتنی بر خدمات و نه تولید از طرفی و معلول تورم وارداتی و ساختی از طرف دیگر، حتی رسالت صنعتی کردن را از جبهه سرمایه سلب کرده است چه رسد به حل بحران ساختی و ایجاد یک اقتصاد سالم حتی در چارچوب و با معیارهای سرمایه داری، گفته شده بود که دوام حیات سرمایه داری وابسته، در هر شکلی - اعم از شرعی و یا عرفی - جز با تمرکز سرمایه در دست دولت و تشدید استثمار راهی ندارد، گفته شد که جز با حاکمیت کارگران و زحمت کشان رهائی ممکن نیست... وای بسا چیزهای دیگر که گفته شده بود و گفته میشود. اما باور کنید که احکام بالا نه پایه درستی دارند و نه منطقی اند. این گونه احکام ناشی از نفوذ فرهنگ غربی و یا شرقی هستند که البته "نابود باید کرد" و این همه مربوط به پیش از ظهور واپس ماندگی جدید شاید قابل پذیرش بودند اما و در جمهوری اسلامی! هرگز... چرا که اکنون سلحشوران دلیر، سوار بر گردنه مردمی توهم زده از اعماق تاریخ مبهم و با شعار آینده ای مشکوک، پابر رکاب طلائین قدرت و سر بر سر حکمروائی از دور دست فرا رسیده اند - حتی از پاس - تا قلعه های از بن ویران پاکهن را که دیگر گندیده اند و درهم شکسته باز

سازند و از دل ویرانه‌ها، وبامالاح و ابرار ازکار افتاده و پوسیده، خراب آباد سرمایه‌داری را از نو بنا کنند، ستم طبقاتی را براندازند و عدالت آسمانی را بر زمین تحقق بخشند. و البته در حد مجاز و شرعی!!! نسخه‌های آقای بنی‌صدر، ترکیب معجزه‌آسای بلاهت و فقر فرهنگی و ولایت فقیه، گرگ و بره را بر آبخور اسلام بسه برادری خواهد خواند فقر و استثمار را از بین خواهد برد و البته رعایت حال سرمایه‌داران را نیز خواهد کرد که کسی مباد از این سفره بی نصیب ماند. برنامه‌های اقتصادی چه آنها که در اقدامات هیئت حاکمه تحقق یافته‌اند و چه آنها که هنوز عملی نشده و در صف انتظارند، طبقات گوناگون را با یکدیگر یکر سازش داده و در همان حال که ستم سرمایه بر جای می‌ماند استثمار نیز نابود خواهد شد. شیپور رهائی را زده‌اند هرچند از سرگشادش. اما بهر حال زدن، زدن است. حزب توده و تئوری‌های راه رشد غیر سرمایه‌داری این را خوب می‌فهمند و اگر برنامه پیشنهادی حزب توده، در مردم، از برنامه بنی‌صدر عقبتر است این را دیگر بحساب تنفر حزبیها از چپ! - روی - بگذارید و بگذرید ...

"جبهه سرمایه" یعنی خرده‌بورژوازی و بورژوازی ناتوان، بمشابه هیئت حاکمه، پس از قیام بهمین میراث‌بر بحران عظیم اقتصادی شد. ریشه‌های بحران ساختی کنونی را میتوان در چندین زمینه گوناگون جمع بندی کرد. سرمایه‌داری شدن ایران از آغاز تکوین خود بر اساس هرچه بیشتر سرمایه‌پذیرتر کردن کشور برای جذب کالا و سرمایه‌های مازاد امپریالیسم جهانی شکل گرفت و هرچند در آغاز نوعی رونق کاذب ناشی از رشد خدمات غیر مولد را ایجاد کرد اما بلافاصله با عملکرد قوانین کلیدی حاکم بر جوامع وابسته از قبیل کمبود فزاینده سرمایه، رشد ناموزون، مرکب و بازگونه رکود همراه با تورم و ... روبرو شده کارائی خود را برای تحقق رشد تولید صنعتی همپای گسترش تولید کالا - ثی - پولی از دست داد.

مرحله خاص تمرکز و ترکیب ارکانیک سرمایه در عصر کنونی از سوئی، عملکردهای ناشی از جذب در نظام جهانی سرمایه و ضعف تاریخی - اقتصادی بورژوازی بومی ضرورت اقتصاد مختلط و گسترش بورژوازی بوروکراتیک و ... بر شدت بحران می‌افزایند. وابستگی و گسترش نیرویه بوروکراسی دولتی و خدمات غیر مولد عملکردهای درآمد ناشی از نفت تسریع بحران را پرهیزناپذیر کرده و بر شدت انهدام می‌افزاید. بخش خصوصی که رشد انگلوار و متکی بدولت داشته است در تضاد با جناح بورژوازی بوروکراتیک هیئت حاکمه رنگی لیبرال بخود گرفته و تمامی جبهه سرمایه درگیر در بحران اجتماعی ناشی از بحران اقتصادی، ناتوان، توقف تولید و بازتولید جامعه را نظاره میکند. بورژوازی ناتوان راه نجات نظام سرمایه‌داری را در پیاری گرفتن از خرده بورژوازی، می‌جوید و پایه توده‌ای خرده بورژوازی را برای خود فرصتی طلایی میداند، تادرسایه به بیراهه کشانیدن توده‌های معترض نظام را بازسازی و دستگاههای سرکوب را ترمیم کند.

خرده بورژوازی و بورژوازی ایران از مشروطه بعد همواره خواب استقلال و زاپن شدن را میدیده‌اند، ایجاد یک جامعه صنعتی پیشرفته سرمایه‌داری مستقل، متکی بخود و ملی رویای دیرینه پاینده بورژوازی نحیف ایران و جزئی از ایدئولوژی آن بود. این رویا حتی در ادبیات چپ در قالب "راه رشد غیر سرمایه‌داری" "البته متکی به شو - روی"، "حاکمیت خلق و دموکراسی نوین" نیز نفوذ کرد. سرمایه‌داری مستقل و متکی بخود همچون بدیلی در مقابل سوسیالیسم و سرمایه‌داری وابسته طرح و یکی از دستمایه‌های انحراف کشانیدن جنبش توده‌های ستم‌کشیده جامعه ما را شکل میداده است. پس از سرمایه‌داری شدن ایران و نابودی بورژوازی با اصطلاح ملی و ادغام در نظام جهانی سرمایه مفهوم رنگباخته سرمایه داری ملی کارکردی جز عمل بمشابه عاملی بازدارنده در جنبش توده‌ها ندارد. بورژوازی ایران آگاه از واقعیت ضرورت وابستگی مفهوم ملی را تا حد

وابستگی به این جناح - نظامی - یا آن جناح - مصرفی - و این قطب آمریکا - یا آن قطب - اروپا - تقلیل داده است. خرده بورژوازی علاوه بر این از انحصارات بزرگ هراسناک است تمرکز سرمایه و تجمع تولید دولتی یا ملی، خارجی یا داخلی بومی یا مرکب و مختلط مرگ خرده بورژوازی است، و از سوی دیگر خرده بورژوازی خواهان دوام و سلامت نظام سرمایه‌داری است و این جز در قالب انحصارات ناممکن است و از این روموا - ضع خرده بورژوازی تا حد تعدیل در توزیع و نه مالکیت، دولتی کردن انحصارات، کاهش می‌یابد و بدینسان پایه‌های طبقاتی جامعه بی‌طبقه توحیدی بنا میشود، و برنامه‌های درخشان آقای بنی‌صدر شکل می‌گیرد.

سلحشوران تازه از راه رسیده در برابر واقعیت چاره‌ای جز تسلیم ندارند ماهواره شاهد عقب‌نشینی سریع، پر شتاب آنان از آرمانهای خود بوده ایم. خرده بورژوازی برای تثبیت رهبری خود مجبور است بخشی از خواسته‌های توده‌های مردم را در برنامه‌های خود بازتاب کند. اما و از آنجا که بمشابه یکی از عناصر جبهه سرمایه در حاکمیت پاسداری نظام سرمایه‌داری پای می - فشارد خواسته‌های انقلابی مردم را مسخ کرده و انقلاب را به مضحکه تبدیل می - کند. پس از یکسال از اجرای بلامنا - زع برنامه‌های خرده بورژوازی، تحلیل اقتصادی ایران چیزی بر برداشت‌های قبلی نمی‌افزاید جز چند نکته مهم درباره چهره اقتصاد سرمایه‌داری ناتوان.

یکی از بارزترین مشخصات اقتصاد ایران فقدان برنامه یکدست و مشخص است. کلیه اقدامات هیئت حاکمه یکدیگر را خنثی میکنند. این ویژگی ناشی از:

الف: چندگانگی موضع خرده بورژوازی بویژه درگیر در حفظ نظام سرمایه‌داری از طرفی و متعهد به وفاداری ظاهری به آرمانهای توده‌های مردم از طرف دیگر وظایف متناقض و غیرممکن را در برابر این بخش از هیئت حاکمه قرار میدهد.

تضاد بین آرمانهای پندار با فانه و دستمالی شده از یک سو و واقعیت‌های گریزناپذیر جامعه از سوی دیگر هر

نوع برنامه‌ای حتی در چارچوب نظام سرمایه‌داری را ناممکن کرده است.

ب: جناح دیگر ائتلاف نامقدس جبهه سرمایه یعنی سرمایه باصطلاح ناتوان در پی تحکیم سریع پایه‌های نظام سرمایه‌داری، ساز خود می‌زند و راه خود را نشان می‌دهد. تضاد بین این گرایش و گرایش‌های خرد بورژوازی یکی دیگر از عوامل بازدارنده در ارائه و تحقق هر نوع برنامه یک‌دست حتی در چارچوب سرمایه‌داری وابسته است. این دو جناح از جبهه سرمایه هر یک در جهتی متفاوت در برخی از موارد و مشابه در پاره‌ای از مواضع، از سوئی‌یکدیگر را تکمیل و از سوی دیگر خنثی می‌کنند. یکی به توده‌ها وعده استقلال ملی می‌دهد و دیگری عجولانه با زاپن قرارداد می‌بندد، یکی سرمایه‌های خارجی را جذب می‌کند و دیگری غرامت کارخانه‌های و شکسته را می‌پردازد، یکی مساله مسکن را حل شده می‌داند و دیگری بر مالکیت خصوصی اصرار می‌ورزد، یکی از دولتی کردن تولید دم می‌زند و حمایت از منافع مستضعفین، دیگری اعتبارات کلان را از بیت‌المال در اختیار سرمایه‌داران بخش خصوصی می‌گذارد، یکی واردات را دولتی اعلام می‌کند و دیگری شتابزده درست یک روز بعد به "بازرگانان محترم اطمینان می‌دهد که می‌توانند" کار پر رونق "خود را ادامه دهند" یکی در صد گاهش مصرف و واردات است و دیگری جزیر کیش را به بندر تجارت آزاد تبدیل می‌کند. یکی برای حل مساله ترافیک خواهان جلوگیری از بکارگیری خودروهای شخصی است و دیگری رشد صنایع اتومبیل‌سازی (وزیر صنایع و معادن) و آزاد کردن ورود اتومبیل‌های شخصی را خواهان است (وزیر بازرگانی) و در این میان آنچه البته به جایی نرسد برنامه‌های مبهم و پهلوی آقای بنی‌صدر است که هنوز هم نوراخ دعا را پیدانکرده است و با زیرک و انمود می‌کند که راهی دیگر و ساز دیگری دارد.

۲ - پایه‌های حاکمیت کنونی بر توهّم توده‌ها استوار است و از اینسرو باید برای حفظ حاکمیت خود بر توهّم توده‌ها دامن زد و این جز با ارائه برنامه‌های توخالی غیر عملی و دهان‌پرکن

راهی ندارد. و لذا دروغ‌پردازی یکی از شیوه‌های رایج حل مسائل اقتصادی است. نرخ تورم بگفته آقای بنی‌صدر بیش از ۴۰ درصد است رئیس بانک مرکزی آقای مولوی آنرا حدود ۱۰/۵ درصد اعلام می‌کند، در گزارش بانک مرکزی می‌آید که "شاخص‌های کالاها و خدمات مصرفی در ۶ ماهه اول سال جاری ۱۱ درصد نسبت به سال قبل افزایش یافته است" یعنی تورم حدود ۱۱ درصد و در روزنامه‌ها بانک مرکزی اعلام می‌کند که "در آبان ماه شاخص عمده‌فروشی ۳/۳ درصد نسبت به ماه قبل افزایش یافته است" و اگر هم ۳/۳ درصد افزایش داشته باشیم و سال هم البته و متاسفانه ۱۲ ماه است نرخ تورم و افزایش قیمت‌ها ۳۶ الی ۴۰ درصد را نشان می‌دهد، اما رئیس بانک مرکزی اصرار دارد که تورم چیزی در حدود ۱۰/۵ درصد ناقابل بوده و هر کمی جز این شایعه پراکنی است.

"شاخص‌های عمده‌فروشی کالاها در ۸ ماهه اول سال جاری ۱۵ درصد افزایش یافته است" (اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی) و میتوان صدها نمونه متناقض از این دست ردیف کرد اما ما نیز معتقدیم که بهترین "راه حل" مساله تورم، کاهش نرخ آن در محاسبه است. دروغ‌گوئی و پوشاندن واقعیت دیگر قبح خود را از دست داده است وزیر صنایع و معادن در توضیح علت کمبود روغن نباتی می‌گوید "عده‌ای سودجو روغن‌های تولید شده را به خارج از کشور صادر می‌کنند" و اداره آمار بانک مرکزی می‌نویسد "علت کمبود روغن نباتی وارد نشدن حلی‌های روغن است که از زاپن وارد می‌شود" دولت اما جز دروغ پردازی راه‌حلهای دیگری نیز دارد باین معنی که خوراک دام جو و ذرت را سهمیه بندی می‌کند و قیمت آنرا کاهش می‌دهد، اما و آنرا که سهمیه بندی بر اساس ضوابط جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد بلافاصله تولیدکنندگان مجبورند به بازار آزاد رجوع کنند و نتیجه: علوفه‌ای را که قبلاً دولت هر کیلو ۳۰ ریال می‌فروخت در بازار آزاد ۱۵ ریال یعنی ۵ برابر سابقو جو ۸ ریالی سال قبل ۲۵ ریال فروخته میشود و البته بنظر ما نیز هیچ راهی جز این برای مبارزه با کرائی وجود ندارد و در سایه چنین

سیاستهای داهیهانه‌ای اگر تولید پنبه گرگان ۲۵ درصد نسبت به سال قبل کاهش یافته است (گزارش سازمان پنبه‌گرگان) لابد دست خرمن آتش زنان در کار است که از ابواب جمعی شیطان‌اند.

وزیر صنایع و معادن همپای مبارزه ضد امپریالیستی به مردم می‌گوید "میتوانیم - و البته بدون نابودی نظام سرمایه‌داری مشروع - صاحب یک اقتصاد مستقل باشیم" و در محاسبه باکیه‌سان ۹ دی می‌افزاید "میتوانیم مواد اولیه را در ایران تهیه کنیم" در اقتصادی که ۲۶ درصد مواد اولیه - منهای ماشین‌آلات از خارج وارد میشود آقای احمدزاده وزیر صنایع و معادن وعده معجزه می‌دهد و البته ما نیز ایمان داریم که اگر نه واقعیت‌ها که دم گرم الهی کار خود را خواهد کرد.

۳ - رکود همراه با تورم، گیرش تولید و سرمایه را تقریباً متوقف کرده است در آمد نفت در جهت گسترش مشاغل غیر مولد بکار می‌افتد و رژیم حاکم اما درمان را یافته است کمک به بخش خصوصی. آقای وزیر صنایع و معادن در اجتماع از سرمایه‌داران اعلام می‌کند که "تاکنون ۸ میلیارد ریال به صنایع کشور اختصاص یافته است، و البته این رقم ناچیزی است و ما در زمینه بیمه کارگران، نحو پرداخت وام و اعتبار، این گونه مسائل را به نحو مطلوب کارخانه‌داران حل خواهیم کرد" منظور از کارخانه‌داران که قرار است از بیت‌المال ملت تغذیه کنند همانا مستضعفین اند و نه سرمایه‌داران! بانک مرکزی سعی می‌کند این رقم ناچیز اعطای دولت را به سرمایه‌داران جبران کند مولوی رئیس بانک می‌گوید "تاکنون ما ۴۶ میلیارد ریال اعتبار به بخش کشاورزی ۱۵۳ میلیارد ریال به صنایع و... اعتبار داده‌ایم" و البته این اعتبارات از کیسه خلیفه یعنی در آمد ملت پرداخت شده است.

آقای میناجی وزیر ارشاد ملی هم سعی می‌کند از قافله عقب‌نیافتد چه هدف خدمت به خلق - سرمایه‌داران - است و خدمت به سرمایه‌داران در انحصار وزیر صنایع، دارائی یا بازرگانی نیست ارشاد ملی هم میتواند در این سو حرکت کند، ایشان جزیره کیش را به بندر تجارت

بانکها ۴ درصد کارمزد خواهند گرفت و به پس اندازهای غیردیداری ۸/۵ درصد و به پس اندازهای دیداری ۷ درصد سود پرداخت خواهند کرد، حالا برای حل مسأله تقاضای سود و بهره تعیین کنید دزد را؟!

در پرتوجنین سیاستهای درخشانی است که ۴ میلیون بیکار در شهرها دارن البته منهای مسأله متاغل غیر مولد و حاشیه‌ای که روبه افزایش دارد. کارخانه‌های زیر ۳۵ درصد ظرفیت تولید میکنند. اما هیأت حاکمه در صدد رشد صنایع کلیدی و پایه‌ای است و وزیر صنایع و معادن نیز آمار نتایج درخشان سیاستهای دولت را اعلام میکنند " ما ۷۲ درصد در صنایع نساجی ۷ درصد در صنایع روغن نباتی ۱۷ درصد در صنایع سیمان رشد داشته‌ایم " و فراموش میکند که میافزاید بانک صادرات اعتبارات مورد نیاز صنایع نساجی را برای خرید پنبه تا پایان ۵۹ تامین میکند " صنایع اساسی و پایه‌ای در حال توسعه و شکوفایی هستند. میتوان آذرماه ۵۸ که ماه پربار فعالیت اقتصادی بود را شاهد آورد. در این ماه ۱. پروانه برای تولید مواد غذایی ۱. پروانه برای بهره برداری از دستگاههای تهویه ۱. پروانه برای تولید نوشابه بدون گاز ۱. پروانه برای تولید چسب و روغن و ضدیخ ۱. پروانه برای تولید خوراک دام و طیور ۱. پروانه برای تولید پارچه کشاف صادر شده است توجه دارید که صنایعی تا این حد پایه‌ای و اساسی رشد صنعتی و استقلال اقتصادی را بسرعت تامین خواهند کردند حالا باز هم بگوئید آقای بنی‌صدر نمیتوان معجزه کند و یاسوراخ دعا را گم کرده است! ●

نگرانی نیست! اما " نرخ سود با توجه به عرضه و تقاضا تعیین خواهد شد " (بنی صدر مصاحبه با مطبوعات ۳ دی) و این یعنی آنکه کسی گمان نبرد که مقولای روابط سرمایه‌داری از قبیل سود و نرخ سود، عرضه و تقاضا... از بین خواهد رفت. در بروی همان پاشنه می‌چرخد و آش همان آش است و کاسه همان کاسه هر چند که کاسه شکسته است و تیرک برداشته. و بانکهای اسلامی ایجاد خواهد شد که " در فعالیت‌های کشاورزی و صنعتی به یکی از طرق مرسوم شرکت میکنند " (همانجا) منظور از به یکی از طرق مرسوم یعنی یکی از شیوه‌های گوناگون موجود در چهار چوب نظام موجود - که البته سرمایه‌داری نیست!! از دیدگاه بنی صدر " بانکها در فعالیت اقتصادی سرمایه‌گذاری خواهند کرد و سهم خویش را به نسبت سرمایه‌های خود از سود حاصله برداشت‌کرد و بر سود پس انداز کنندگان خواهند افزود " و ماکه نمیدانیم اما آقای بنی - صدر حتما میدانند که منظور " سود حاصله " چیزی جز استثمار نخواهد بود حتی در جامعه بی طبقه توحیدی.

بانک‌های بهره نخواهند گرفت " وقتی ما - (یعنی بنی صدر) نامزد ریاست جمهوری) می‌گوئیم بانک بهره نمی‌گیرد بدین معنی نیست که در اقتصاد بهره امروز یافردا - (حتی پس از پایان انتخابات) - از بین می‌رود ممکن است دیگران بگیرند " و بر همه کس بدیهی و آشکار است که " دیگران " طبقه پابره‌ها و مستضعفین - اند و گرنه سرمایه‌داران ملی و اسلامی اهل این حرفها نیستند. کارمزد ۴ درصدی جای بهره را می‌گیرد و البته " نرخ کارمزد به مناسبت وام فرق خواهد کرد " (بنی صدر با مداد ۳ دی) و لذا نرخ کارمزد نیز مثل نرخ بهره نه رقمی ثابت بلکه متناسب با قانونمندیهای بازار تعیین خواهد شد! و آقای بنی‌صدر از این نمیرند که می‌افزایند " در کوتاه مدت از ابزارهایی که در فقه اسلامی آمده است استفاده میکنیم " (همانجا) " کوتاه مدت " یعنی تا وقتی که مجبوریم برای حفظ حاکمیت خود به توده‌ها و روحانیت تکیه کنیم که در درازمدت ابزارهای دیگری از قبیل دیکتاتور نظامی و ارتش دم دست خواهد بود.

آزاد تبدیل میشوند و البته با دلایل بسیار شرعی و اسلامی ... " بهر رو عده‌ای از هم وطن‌های ما برای خرید به خارج می‌روند - لابد از طبقه مستضعفین که به مصرف کالاهای داخلی عادت ندارند - اما امکاناتی در کیش داریم و اجناس خارجی نیز بهر حال از شیخ نشین‌ها وارد میشوند پس بهتر است که ما جزیره کیش را به جزیره " تجارت آزاد داخلی " تبدیل کنیم " و منظور از تجارت آزاد داخلی؟؟؟؟!! اینکه مردم - و صد البته مردم - میتوانند کالاهای خارجی را در کیش خریداری و در حجاز؟! به ایران وارد کنند. وزیر صنایع و معادن با تاءکید بر اینکه " باید حاکمیت را از مدیریت جدا کرد " اعلام میکنند که دولت باید به سرمایه داران کمک کند قبلاً در معاملات خارجی، شرکتهای فروشنده خارجی ۱۵ درصد بهای مواد اولیه و ماشین آلات را نقدی میگرفتند و ۸۵ درصد را بر اساس اعتبارنامه میدادند، اما در شرایط کنونی شرکتهای خارجی خواهان دریافت نقدی صد درصد بهای کالاهای خود هستند و دولت مستضعفین برای آنکه سرمایه و گردش آن در جهت سودآوری ادامه یابد تصمیم می‌گیرد که " ۸۵ درصد از بهای کالاهای دولت بعنوان کمک به تولید کنندگان خواهد پرداخت تا " تولید را به بیافشد و بیکاری حل شود...

و البته آقای بنی‌صدر هم می‌شغولند. ایشان در صدد ایجاد یک سرمایه‌داری بدون استثمار! و سیستم بانکی بدون بهره هستند که البته صد درصد هم اسلامی باشد. اولین گام مهم آقای بنی‌صدر ادغام بانکها بود که در جهت برنامه تمرکز سرمایه‌ها برای جبران ضعفهای بورژوازی سمت‌گیری کرده بود وزیر دارائی با هیاهوی بسیار اعلام کرد که از این پس بهره از بین خواهد رفت و استثمار افسانه‌ای خواهد بود که در کتابها - نو - آموزان را به وحشت خواهد انداخت، وابستگی از بین خواهد رفت و فقر و رکود و استثمار از این پس شایسته کشورهای عقب افتاده خواهد بود و نه جمهوری اسلامی.

کارمزد ۴ درصدی جای بهره را خواهد گرفت تا اینجا ما صرفاً بایک تغییر اسم همان مفهوم روبرو هستیم و هیچ جایی برای

رهائی
نشریه
سازمان وحدت
کمونستی